

◆ داستان را بخوان و به سوال ها پاسخ بده

🌸 در زنگ تفریح دست احمد به جامدادی حسین خورد و جامدادی از روی میز افتاد و شکست ، احمد سریع جامدادی را روی میز گذاشت و در حال بیرون رفتن از کلاس بود که حسین را دید ، وقتی حسین جامدادی را دید خیلی ناراحت شد و از احمد پرسید تو نمی دانی چه کسی جا مدادی من را شکسته؟

◆ احمد گفت :

◆ اگر به جای حسین بودی چه کاری انجام می دادی؟

◆ به نظر شما احمد با دروغ گفتن میتواند ناراحتی دوستش را کم کند؟ چرا؟

◆ داستان را به دلخواه در چهار سطر ادامه بده